

۸. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن - فطرت در قرآن، اسراء، چاپ اول، قم، ۱۳۷۸.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مؤسسة آل البيت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۰. حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴.
۱۱. حسکانی، عبدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مؤسسة الطبع و النشر، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۱۲. حسینی، سید داود، روابط سالم در خانواده سالم، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۶.
۱۳. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
۱۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، روزنه، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۷.
۱۵. ری شهری، محمد، العقل والجهل فی الكتاب والسنة، تحقیق: دار الحدیث للطباعة، بیروت، ۱۴۲۱ق.
۱۶. سالاری فر، محمد رضا، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، قم، انتشارات سمت، ۱۳۸۷.
۱۷. سبحانی نیا، محمد تقی، رفتار اخلاقی انسان با خود، دار الحدیث، چاپ اول، قم، ۱۳۹۲.
۱۸. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۱۹. شجاعی، محمدصادق، نظریه‌های انسان سالم با نگرش به منابع اسلامی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۸۸.
۲۰. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، هجرت، قم، ۱۴۱۴ق.
۲۱. شعاری نژاد، علی اکبر، روانشناسی رشد، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳.
۲۲. طباطبایی، محمد حسین، المیزان، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. طبرسی، علی، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، تحقیق: مهدی هوشمند، دارالحدیث، ۱۴۱۸.
۲۴. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفة، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۲۵. فرهادیان، رضا، درآمدی بر شکل‌گیری شخصیت انسان در تعلیم و تربیت، مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، قم، ۱۳۹۲.
۲۶. \_\_\_\_\_، والدین و مربیان مسئول، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، قم، ۱۳۷۷.
۲۷. فیاض بخش، محمدتقی، کرامت نفس در تربیت کودک، فردافر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹.
۲۸. قلی‌زاده کلان، فرض الله، تربیت در محیط خانواده، پارسایان، چاپ اول، قم، ۱۳۷۷.
۲۹. قیامی میرحسینی، سید کمال، شخصیت و شخصیت‌شناسی، سیمرغ خراسان، چاپ اول، مشهد، ۱۳۹۱.
۳۰. کریمی، عبدالعظیم، کودک؛ تربیت؛ زندگی، عابد، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵.
۳۱. کریمی، یوسف، روانشناسی شخصیت، نشر و ویرایش، چاپ اول، بی‌جا، ۱۳۷۴.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.
۳۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم‌السلام، دار إحياء التراث العربی، بیروت.
۳۴. مدرسی، سید محمد تقی، تفسیر هدایت، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول، مشهد، ۱۳۷۷ ش.
۳۵. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، صدرا، چاپ شصتم، تهران، ۱۳۸۷.
۳۶. معین، محمد، فرهنگ معین، میلاد، چاپ نهم، تهران، ۱۳۷۵.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیه، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۳۸. منتظری، حسینعلی، درس‌های از نهج البلاغه، نشر سربابی، تهران، ۱۳۸۰.
۳۹. میبدی، حسین، دیوان امیر المؤمنین علیه‌السلام، مترجم، مصطفی زمانی، دار نداء الإسلام للنشر، قم، بی‌تا.

## نقش زکات در تولید ثروت

### در نگرش قرآن کریم\*

□ محمود اصغری<sup>۱</sup>

#### چکیده

این نوشتار در تلاش است تا به بررسی اهمیت و نقش زکات در تولید ثروت از طریق فقرزدایی و رفع محرومیت از جامعه با از بین بردن شکاف و فاصله‌های عمیق طبقاتی و برخورداری تمامی انسان‌ها از ثروت‌های خدادادی از منظر قرآن کریم بپردازد.

رویکرد قرآن کریم در خلق ثروت از طریق سازوکار زکات، معطوف بر رشد قابلیت‌های فردی و توانمندسازی افرادی است که به واسطه فقر از چرخه اشتغال و تولید خارج شده‌اند و توان بازگشت به این چرخه را به سبب فقر ندارند. بنابراین، نقش زکات در مشارکت دادن فقرا در رشد و توسعه و تولید ثروت عبارت است از: افزایش استفاده یا افزایش بهره‌وری استفاده از فراوان‌ترین دارایی آنها، یعنی کار خواهد بود که از این طریق است که می‌توان درآمد پایدار و مطمئن را نیز برای آنها خلق کرد.

پژوهش‌ها نشان می‌دهد چنانچه گردشگری و هزینه کردن زکات با درایت و مدیریت انجام شود، زکات توان تأمین مالی بسیار بالایی را برای حذف فقر و ایجاد اشتغال برای به میدان آوردن نیروی کار فقرا را دارد. از این رو، سیاست‌های

حمایتی - اقتصادی قرآن کریم در قالب زکات ریشه‌کن‌سازی فقر و محرومیت در جامعه است و تمرکز آن بر روی از بین بردن شکاف قابلیت و ایجاد توانمندی برای کار و ایجاد اشتغال در افراد خواهد بود.

فرض ما در این نوشتار بر این است که با چنین رویکردی به عملکرد زکات، می‌توان علاوه بر ریشه‌کن‌سازی فقر و محرومیت در جامعه به تولید و خلق ثروت نیز پرداخت.

**واژگان کلیدی:** قرآن کریم، زکات، تولید ثروت، توزیع مجدد ثروت، عدالت اقتصادی، فقرزدایی.

### مقدمه

در قرآن کریم، اندیشه‌های رفاهی در قالب فقرزدایی و محرومیت‌زدایی مبتنی بر نظریه‌های هستی‌شناسانه می‌باشد. در این نگاه از یک سو، مال و ثروت چیزی جز امانت در اختیار افراد نیست و مالک حقیقی تمامی اموال و ثروت‌ها خداست و از دیگر سو، خدای سبحان همین مال و ثروت را ﴿جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا﴾ (نساء، ۵) مایه و پایه قوام و قیام تمامی انسان‌ها دانسته است نه افرادی خاص. بر مبنای این رویکرد هستی‌شناسانه است که زکات، تأثیر مهمی در اتخاذ سیاست‌های لازم در مبارزه با فقر و رفع محرومیت دارد. در این نگرش، فقر و محرومیت حق انسان فقیر نیست تا نقش زکات هم بر مبنای این حق تعریف شود و در عمل، فقط در حد سیاست‌های حمایتی مورد توجه قرار گیرد؛ بلکه حق فقیر آن است که از مال الله در قالب زکات بهره‌جسته تا توان حضور در چرخه تولید برای خلق ثروت که مایه و پایه استواری زندگی دنیوی اوست را پیدا کند. بر این اساس است که تفکر و برداشتی که از فقر می‌توان داشت نقش مهمی در مبارزه با آن می‌تواند داشته باشد. به نظر می‌رسد که برای مبارزه با فقر مهم‌ترین مرحله، اصلاح نگرش در مورد مسأله فقر است (محمودی، ۱۳۸۴، ۲۹). بی‌جهت نیست که فقر از منظر قرآن کریم نسبت به عقاید و اخلاق بشر و نیز برای امنیت و ثبات جامعه یک تهدید جدی به شمار می‌رود، و دستاویزی برای شیطان است که انسان‌ها را به بیراهه برده و آنان را از دین گردان می‌کند: ﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ﴾ (بقره، ۲۶۸) شیطان، شما را وعده فقر و تنگدستی می‌دهد و به فحشا

(زشتی‌ها) امر می‌کند. از منظر قرآن کریم آسیب‌های فقر و محرومیت تا جایی است که ممکن است حتی به نسل‌کشی بینجامد (اسراء، ۳۱).

بنابراین، فقر تهدیدی بالقوه برای صلح و ثبات جامعه است و مقاصد و اهداف شریعت در حفظ ایمان و روح بشری، با فقر به سرانجام نمی‌رسد (طیب، ۱۳۷۷، ۵۸). با توجه به اهمیت آسیب‌های فقر و محرومیت، نقش زکات<sup>۱</sup> در محرومیت‌زدایی در بستر رشد و توسعه و رفاه اجتماعی محدود به حد خاصی نیست؛ بلکه تا جایی است که فقر از جامعه برچیده شود، که به بیان مؤلفین الحیاء: ملاک در بخشیدن مال، از بین بردن فقر از عرصه جامعه اسلامی و زندگی انسانهاست نه پرداختن نصاب‌های معین به تنهایی، پس اگر فقر با پرداختن همه نصاب‌های شرعی از میان نرود، باید توانگران از بازمانده مال خود چندان بدهند تا نیاز نیازمندان از میان برود، و فقرا، در معیشت کمبودی نداشته باشند. قرآن کریم روا نمی‌دارد که اموال و امکاناتی وجود داشته باشد و در کنار آن اموال و امکانات فراوان و اندوخته، فقیران و نیازمندی در دوزخ محرومیت بسوزند و عذر توانگران آن باشد که زکات ظاهری (رسمی) را پرداخته‌اند (حکیمی، محمدرضا، محمد و علی، ۱۳۹۱، ۱۶۸/۴).

بنابراین، زکات یکی از ابزارهای بسیار مؤثر در فقرزدایی و برقراری ثبات اقتصادی و خلق ثروت، از طریق توزیع مجدد ثروت، ایجاد اشتغال و برکت زایی در منابع اقتصادی است.

### پیشینه پژوهش

تحقیق و پژوهش قابل توجهی در رابطه با مسأله زکات، به دلیل اهمیت جایگاه عبادی آن و تأثیر آن در فقرزدایی و رفاه اجتماعی صورت گرفته است؛ اما هم‌چنان ضرورت پژوهش و تحقیق در زوایای گوناگون این مسأله از جمله اهمیت نقش زکات در تولید ثروت از طریق فقرزدایی که موضوع مورد بحث این مقاله می‌باشد باقی است.

۱. زکات در آموزه‌های قرآن کریم به معنی مطلق انفاقات مالی، اعم از زکات به (معنای اصطلاح فقهی)، صدقه، خمس و انفاقات مستحب است؛ به دلیل این که در سوره‌هایی که در مکه نازل گردیده، این کلمه وجود دارد. بنابراین در قرآن کریم، زکات به معنای اخص فقهی، صدقه نیز خوانده می‌شود. (ر.ک: کلباسی، ۱۳۸۰، ۱۱؛ ایروانی، ۱۳۹۰، ۳۴).

برخی از تألیفاتی که به نوعی مرتبط با موضوع مورد بحث نوشتار هستند و می‌توانند مؤیدی بر مدعای این تحقیق قرار گیرند عبارتند از:

۱. ایروانی، جواد (۱۳۹۰) «زکات باطنی؛ پژوهشی فقهی درباره گستره زکات از نگاه قرآن»: نویسنده در بخشی از بیان ضرورت پژوهش خود می‌نویسد: زکات باطنی به سبب فراگیری و مشروط نبودن به شرایط زکات مصطلح، نقش مهمی در رفع فقر و محرومیت از جامعه و تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی و نیز تکامل روحی پرداخت کنندگان دارد. به نظر نویسنده، تحقق این مهم در گام نخست منوط به تحلیل فقهی و بررسی زوایا و احکام آن و سپس، نهادینه ساختن آن در جامعه است. این حق مالی، به ویژه در زمانی که زکات مصطلح، به سبب محدود بودن منابع یا کوتاهی در پرداخت، پاسخگوی نیازهای محرومان نباشد، اهمیت بیشتری می‌یابد.
۲. بیات، محمدحسین؛ بام افکن، جواد (۱۳۹۴) «آثار اجتماعی زکات در تفاسیر فریقین»: این تحقیق، آثار زکات را در بخش‌های مختلف جامعه از دیدگاه تفاسیر فریقین مورد بررسی قرار می‌دهد و روشن می‌سازد که آثار اجتماعی زکات از این قرارند: زکات در بین افراد جامعه، تعادل برقرار می‌کند و مانع ایجاد فاصله طبقاتی و در پی آن فروپاشی اجتماع می‌گردد؛ به مقابله با رباخواری برمی‌خیزد و آثار بد و انگیزه‌های پرداخت و اخذ آن را از بین می‌برد؛ بنیه دفاعی جامعه را قوی و چشم طمع بیگانگان را کور و در هنگام نبرد با دشمنان، جبهه‌ها و مجاهدان اسلام را تا حد زیادی تأمین می‌کند؛ حسد و کینه‌ای را که در دل فقرا نسبت به ثروتمندان است، نابود می‌کند و بذر فضیلت و انسان دوستی را در جامعه می‌افشاند؛ ریشه طغیان را در افراد جامعه می‌خشکاند و آثار منفی فقر را از جامعه ریشه کن می‌کند.
۳. طیب، زین العابدین (۱۳۷۷) «زکات و کاهش فقر در جهان اسلام»: نویسنده در این پژوهش با بیان این که تمام بررسی‌ها متفق‌اند که درآمد واقعی زکات در کشورهای مختلف، بسیار کمتر از مبلغی از زکات است که بالقوه بر ثروت آن کشورها بسته می‌شود. به نظر این نویسنده، تجربه تاریخ اولیه اسلام ثابت کرده که اگر زکات به درستی جمع‌آوری و در بین مستحقان واقعی آن توزیع شود، فقر در آن جامعه کاهش و حذف خواهد شد.

نویسنده در تأیید مطلب خود به گزارش بانک جهانی که تخمین زده است هزینه انتقال همه افراد به بالاتر از خط فقر، فقط سه درصد کل مصرف در کشورهای در حال توسعه است استناد کرده و می‌نویسد: ... نیروی بالقوه کامل زکات، ممکن است به طور میانگین به اندازه ۴/۳ درصد تولید ناخالص داخلی برسد که بیشتر از رقم پیشنهادی گزارش توسعه جهانی است.

۴. عسکری، حشمت‌الله؛ بادپا، بهروز (۱۳۹۳) «اثر زکات بر مصرف عمومی در ایران»: نویسنده با بیان اینکه زکات یکی از واجبات الهی است و دارای آثار مختلفی است، به ویژه بر مصرف جامعه اثر می‌گذارد و می‌تواند موجب حل مسأله فقر، تأمین نیازهای اساسی نیازمندان و رشد و توسعه اقتصادی شود؛ در این تحقیق به بررسی اثر توزیع زکات روی مصرف عمومی در ایران پرداخته می‌شود. در این تحقیق، از داده‌های ترکیبی در سطح کشور شامل ۳۰ استان از سال ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۹۰ استفاده شده است. این تحقیق نشان می‌دهد که توزیع زکات اثر مثبتی روی مصرف عمومی دارد. بر اساس تحقیق حاضر، توصیه می‌شود که توزیع زکات نباید به نیازهای مصرفی محدود شود، بلکه باید شامل انواع کمک‌های مالی باشد که بتواند جریان مستمر درآمد را برای دریافت‌کنندگان زکات ایجاد کند.

۵. عسکری، محمدمهدی؛ کاشیان، عبدالمحمد (۱۳۹۴) «برآورد ظرفیت بالقوه زکات در اقتصاد ایران و مقایسه آن با زکات پرداختی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹»: نویسنده در این مقاله با بیان این که زکات یکی از منابع درآمدی دولت اسلامی برای رفع فقر است که در اسلام دارای اهمیت بسزایی است، از آن جهت دارای اهمیت است که یکی از اساسی‌ترین ابزارهای توازن ثروت در جامعه اسلامی را تشکیل می‌دهد و به واسطه آن، بخشی از حداقل‌های معیشتی خانوارهای نیازمند در جامعه تأمین می‌شود. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر نسبت درآمد بالفعل به درآمد بالقوه زکات به شدت افزایش یافته است و دارای یک جهش بلند است. به طوری که میزان پرداختی زکات از ۳/۱ درصد در سال ۱۳۸۳ به نزدیک ۳۰ درصد در سال ۱۳۸۹ رسیده است. اما با این وجود، مقدار پرداختی زکات به نسبت ظرفیت بالقوه موجود بسیار کم و ناچیز است و انتظار می‌رود در سال‌های آینده بهبود یابد.

۶. کاشیان، عبدالمحمد (۱۳۸۹) «نقش بالقوه زکات در کمک به فرآیند توسعه اقتصادی کشورهای مسلمان»: نویسنده در این مقاله به این نتیجه می‌رسد که زکات با ارتقای سرمایه انسانی و اجتماعی و با به کارگیری سرمایه‌های راکد از طریق جلوگیری از حبس ثروت و پول‌اندوزی، مقدمات رشد اقتصادی را فراهم کرده و با نقشی که در ایجاد عدالت اجتماعی، فردی و اقتصادی دارد تمام اهداف توسعه که همان رشد اقتصادی، عدالت، رفاه، افزایش سطح زندگی، اشتغال، برابری، بهداشت، آموزش، امنیت فکری و اجتماعی است را فراهم می‌کند.

۷. کیمیجانی، اکبر؛ عسکری، محمد مهدی (۱۳۸۳) «تحلیل نظری آثار اقتصادی زکات و مقایسه آن با مالیه تورمی»: نویسنده در این مقاله سعی دارد با تحلیل مقایسه‌ای آثار اقتصادی زکات و مالیه تورمی، نتایج وضع این دو نوع مالیات را بر رشد اقتصادی، تورم و رفاه اقتصادی تبیین نماید. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که تعلق زکات به مال راکد و عدم تعلق آن به سپرده‌های پس‌انداز، می‌تواند موجبات سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را فراهم آورد، در حالی که اثرات مالیه تورمی بر رشد، چندان قابل اعتنا نمی‌باشد. در حالی که زکات از یک سو، نوعی تثبیت‌کننده خودکار اقتصادی و از سوی دیگر موجب چرخش مال از صاحبان ثروت به فقرا و نوعی نظام تخصیص مجدد منابع است. آثار مثبت رفاهی در وضع زکات، در فضایی که تعالیم اسلامی برای زکات دهنده و زکات گیرنده ترسیم نموده، در مقایسه با آثار منفی رفاهی مالیه تورمی، نظیر اختلال در نظام پرداختها و کاهش موجودی پولی واقعی، بسیار متمایز است.

### جایگاه زکات در تأمین رفاه عمومی و مبارزه با فقر در آیات

در قرآن کریم واژه زکات به همراه مشتقاتش ۵۹ مرتبه و در ۵۶ آیه به کار رفته، که ۲۷ مورد آن در کنار نماز و همراه با نماز بیان شده است که این، بیانگر اهمیت محرومیت‌زدایی و رفع فقر از جامعه اسلامی به عنوان یک عمل عبادی است.<sup>۱</sup>

۱. اصل وجوب زکات، از مسلمات فقهی شیعه و اهل سنت است، تا جایی که برخی از فقها آن را از ضروریات دین شمرده‌اند (ر.ک: ایروانی، ۱۳۹۰، ۵۹-۶۰).

از منظر قرآن کریم، فقرزدایی و محرومیت‌زدایی از رهگذر پرداخت زکات است که در جامعه چهره می‌نماید و جامعه را از زشتی فقر و رذیلت ستم پیراسته می‌سازد. زکات نه تنها جان‌های مؤمنان را پاک و پاکیزه می‌سازد، بلکه با ریشه‌کن ساختن فقر و فراهم آوردن زمینه برقراری عدالت اقتصادی، دامن جامعه اسلامی را از لکه سیاه و ننگ ظلم و ستم اقتصادی - اجتماعی می‌زداید (سراج‌الدین، ۱۳۸۲، ۱۵۹).

در پژوهشی که بانک جهانی برای از بین بردن فقر انجام داده، به این نتیجه رسیده که هزینه انتقال همه افراد به بالاتر از خط فقر، فقط سه درصد کل مصرف در کشورهای در حال توسعه است؛ در صورتی که نیروی بالقوه کامل زکات، ممکن است در همین کشورها به طور میانگین به اندازه ۴/۳ درصد تولید ناخالص داخلی برسد که بیشتر از رقم پیشنهادی گزارش توسعه جهانی است (طیب، ۱۳۷۷، ۸۳).

در نگاه قرآن کریم، زکات یکی از مصادیق بارز انفاقات و صدقات است که از سر صدق و صفا و پاکی و خلوص پرداخته می‌شود تا به عنوان پشتوانه مالی برنامه‌های اجتماعی، در اصلاح ساختار اقتصادی جامعه و تطهیر زندگی، تزکیه نفوس و تألیف قلوب مردم، نقش خود را ایفا نماید. مکانیزم‌هایی که قرآن کریم از طریق آنها به وسیله زکات به فقرزدایی و تولید ثروت در جامعه می‌پردازد عبارتند از:

الف. توزیع مجدد ثروت؛

ب. رویش و برکت‌زایی و رونق اقتصادی.

### ۱. توزیع مجدد ثروت

مهم‌ترین ویژگی متمایز زکات به عنوان یک تکلیف مالی دینی در این است که زکات، بخشی از درآمد و ثروت را از اغنیا به فقرا انتقال می‌دهد. نتیجه عملی زکات در تعدیل و توزیع مجدد ثروت که قرآن کریم آن را پی‌ریزی کرده، این گونه مطرح می‌شود که بخشی از درآمد اغنیا و طبقه ثروتمند به طبقات خاصی از محرومان اجتماع داده می‌شود. این ریزش و انتقال ثروت از طبقات بالاتر به طرف طبقات محروم، آن قدر ادامه خواهد یافت تا این سرازیری برگردد و شکاف مسدود شود و در نتیجه، تعادل در سطح زندگی این طبقات ضعیف با سطح عادی مردم حاصل گردد.



قرآن کریم تولید ثروت را به توزیع مجدد ثروت گره زده و این دو را در تعامل با یکدیگر در تأمین رفاه عمومی و مبارزه با فقر می‌داند. لذا قرآن کریم در آیه شریفه ﴿مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (حشر، ۷) می‌فرماید: «آن غنیمتی که خدا از مردم قریه‌ها نصیب پیامبرش کرده است از آن خدا و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و مسافران در راه ماندگان است تا میان توانگران دست به دست نشود، هر چه پیامبر به شما داد بستانید، و از هر چه شما را منع کرد اجتناب کنید و از خدا بترسید که خدا سخت عقوبت است.

گرچه ظاهر آیه به فلسفه توزیع مجدد ثروت می‌پردازد؛ اما در حقیقت جمله کوتاه ﴿كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ﴾ بیانگر خطوط اصلی اقتصاد در نگاه قرآن کریم را نشان می‌دهد. قرآن کریم می‌خواهد با این ساز و کارهای توزیعی از انباشته شدن ثروت در دست افراد خاص جلوگیری نماید و آن را مانند خون، به تمام رگ‌های حیاتی جامعه برساند. اگر چنین اتفاقی بیفتد و همگان به این اصل پایبند باشند و حقوق مالی‌شان را پرداخت نمایند، و نظام توزیع خودکار، دچار رکود و اختلال نگردد، به‌طور قطع نظام تولید نیز رونق خواهد گرفت.

این از امتیازات و ویژگی‌های زکات نسبت به برخی پرداخت‌های دیگر مانند مالیات است؛ زیرا اولاً، زکات بر خلاف مالیات، بین افرادی که زکات را می‌پردازند و آنهایی که آن را جمع‌آوری و توزیع می‌کنند اختلاف ایجاد نمی‌کند. ثانیاً، با پایین‌ترین هزینه جمع‌آوری می‌شود. حتی در مورد جمع‌آوری قانونی آن، اکثر عاملان، کار خود را داوطلبانه انجام می‌دهند. ثالثاً، چون زکات به‌طور سالانه از سرمایه برداشت نمی‌شود، باعث تشویق سرمایه‌گذاری می‌شود (طیب، ۱۳۷۷، ۶۵).

### تأثیر توزیع مجدد ثروت در تولید ثروت

تئوری‌های رایج در اقتصاد نظری حکایت از آن دارند که توزیع نابرابر درآمدها، از جمله عوامل اثرگذار بر کاهش تقاضای کل و بازدارنده رشد اقتصادی است. پشتوانه



﴿وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ﴾ (ابراهیم، ۳۴) «و از هر چه که از او خواستید به شما عطا کرد و اگر بخواهید نعمت های خدا را بشمارید نمی توانید. به یقین انسان ستم پیشه و ناسپاس است».

جمله «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ» بیانگر این واقعیت زندگی اقتصادی است که بشر، امکانات خدادادی را با ناسپاسی هدر می دهد؛ زیرا بکارگیری واژه «ظلوم» پس از یادآوری نعمت های مادی، به ستمی اشاره دارد که انسانها در امور اقتصادی به یکدیگر روا می دارند و واژه «کفار» هم به ناسپاسی و کفران نعمتها اشاره می کند و به تعبیر شهید صدر، واژه «ظلوم» بیشتر در توزیع نابرابر ثروتها و واژه «کفار» بیشتر در مصارف بی رویه منابع و اهمال در حفظ و نگهداری آنها ظهور می یابد (صدر، ۱۳۷۵، ۳۳۲ - ۳۳۳).

بنابراین، دو پدیده فقر و تکاثر که زمینه ساز بسیاری از مشکلات اجتماعی و مفسد اخلاقی اند، بر شاهرگ حیاتی اقتصاد پنجه می افکنند (همان).

از منظر قرآن کریم، حداقل سه اثر مهم و کارآمد را می توان برای توزیع مجدد ثروت در نظر گرفت که در حفظ و تولید ثروت نیز نقش بسزایی دارد:

#### الف. پیشگیری از آسیب های اجتماعی

تأثیر فقر در سلامت جسمانی، کیفیت فرهنگی زندگی خانوادگی و فرصت های تحصیلی بشر امروز، غیر قابل تردید است.

هزینه های آسیب های اجتماعی<sup>۱</sup> که از طریق فقر به صورت هدر رفتن زندگی افرادی که اگر قادر به بهره برداری کامل از توانمندی های بالقوه خود بودند، به شکوفایی می رسیدند و جامعه را نیز از میوه های استعداد خود بهره مند می کردند به حدی است که بخش عظیمی از بودجه های جاری کشورها را به خود اختصاص می دهد. این مسأله از یک سو، به طور حتم باعث می شود بخش تولیدی به طور طبیعی قدرت دریافت کمتری برای تسهیلات داشته باشد و در نتیجه، فعالیت های اقتصادی کاهش بیشتری یابند. از دیگر سو، توزیع درآمد از نظر اقتصادی و از آن جهت که نرخ

۱. البته انحرافات اجتماعی خاص طبقه فقیر نیست. اغنیا و ثروتمندان نیز به کجروی گرایش دارند و علت کجروی آنها را، باید در رفاه بیش از حد اقتصادی و فقر فکری و معنوی آنها جست و جو کرد.



### ب. رفتن به سمت عدالت اقتصادی - اجتماعی

امنیت اجتماعی پایدار و عدالت اقتصادی - اجتماعی، با توزیع درآمد گره خورده‌اند، زیرا توزیع درآمد یکی از مهمترین راه‌های تأمین و مراعات حقوق اقتصادی - اجتماعی است.

عدالت اقتصادی - اجتماعی به مفهوم احقاق حقوق افراد، سامان‌دهی منطقی میزان بهره‌مندی و دسترسی افراد به امکانات جامعه و جلوگیری از هرگونه نادیده گرفتن و زیرپاگذاردن حقوق اقتصادی فردی و اجتماعی اعضای جامعه است که تنها راه تضمین زندگی آرام، رو به پیشرفت، موفق و آرمانی را برای افراد جامعه به ارمغان می‌آورد. به هر میزان که جامعه از عدالت در هر بخشی از نظام اجتماعی بی‌بهره و از بی‌دادگری و بی‌عدالتی رنجورتر باشد، جلوه‌های غیرانسانی و زجرآور تزاخم منفعت‌ها و تقابل خواسته‌ها و نیز فزون خواهی‌های ظالمانه و چپاول و تاراج خودخواهانه اموال و امکانات جامعه توسط گروهی اندک، آن هم به قیمت بدبختی و استضعاف عده کثیری از اعضای جامعه، آن جامعه را فراخواهد گرفت و در نتیجه، اجتماع در عذاب اختلافات طبقاتی و تکاثرهای قومی و قبیله‌ای و تفاخرهای متکبرانه گروهی و نیز رنج فقر و بیچارگی و استعمار و پایمال شدن حقوق دیگران، گرفتار خواهد شد. این امر، همچنان که گذشت، خود سبب ناامنی اجتماعی و تحمیل هزینه‌های گزاف اجتماعی برای پیش‌گیری از هرج و مرج اجتماعی است؛ لذا قرآن کریم به توزیع مجدد ثروت از طریق پرداخت زکات به عنوان یکی از ابزارهای مانع از چرخش سرمایه بین اغنیاء می‌پردازد تا از این طریق، ثروت در همه سطوح اقتصادی به چرخش درآمده و همه گروه‌های اقتصادی نقش خود را در اقتصاد ایفا نمایند و از ظلم و سرکشی و طغیان ناشی از ثروت‌های بی‌حد و حصر از سوی ثروتمندان نیز جلوگیری نماید (یونس المصری، ۱۴۲۶، ۹۴-۱۰۲).

در منطق قرآن کریم، انسان‌ها در بهره‌برداری همراه با امانت از منابع ثروت، خلیفه خدا هستند. قرآن کریم در برخی آیات بر این مطلب تصریح می‌کند که: ﴿... وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ...﴾ (حدید، ۷) و از آنچه شما را جانشین و نماینده (خود) در آن قرار داد، انفاق کنید. ﴿... وَأَتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ...﴾ (نور، ۳۳) و چیزی



کار گرفته شود. از این رو، تنها زمانی مال و ثروتی ارزش می‌یابد که سبب رشد و توسعه مادی و معنوی جامعه باشد. به همین جهت، قرآن کریم بر روی انفاقات و صدقات از جمله زکات این همه تأکید دارد تا همواره ثروت، به عنوان ابزاری برای رسیدن افراد به این اهداف در جامعه در گردش باشد.

### ج. رشد و توسعه

از آنجایی که راهبردهای رشد و توسعه ماهیتاً فرایندهای بلندمدت هستند، برای کامیابی و به ثمرنشتن این راهبردها، نیاز به منابع بلندمدت پایدار و مطمئن می‌باشد. قرآن کریم از طریق توزیع مجدد ثروت با تکیه بر پرداخت زکات به عنوان یک وظیفه و تکلیف اخلاقی - اجتماعی، تأمین منابع مالی راهبردهای بلندمدت رشد و توسعه را به صورت منابع مالی پایدار مورد توجه قرار داده و برای اطمینان بخشی در تأمین این منابع، بیشتر بر نقش جامعه تأکید دارد تا نقش حکومت؛ زیرا که جامعه از حکومت به نیازمندان در شناخت نیاز آنان و چگونگی برطرف‌سازی آن نزدیک‌تر است. از این رو، از افراد جامعه می‌خواهد که با پرداخت زکات به عنوان یک عمل عبادی داوطلبانه، علاوه بر تقویت روابط برادرانه در بین مؤمنان و استحکام بخشی به آن، اصل مراقبت در سطح فردی و اجتماعی در رسیدگی به نیازهای افراد نیازمند را مورد توجه جدی قرار داده و به صورت یک فرهنگ نهادینه سازند.

اگر به آیات نگاهی بیندازیم، اهمیت مسأله را بهتر و بیشتر درک خواهیم کرد. آنجایی که بی‌اعتنایی به گرسنگان، سبب سرنگونی در دوزخ را در پی دارد، آنجا که می‌فرماید: در قیامت، بهشتیان از دوزخیان می‌پرسند چه چیز سبب دوزخی شدن شما شد؟

آنان پاسخ می‌دهند: ما به فکر گرسنگان نبودیم ﴿وَلَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمَسْكِينِ﴾ (مدثر، ۴۴) اطعام دهنده به مساکین نبودیم<sup>۱</sup>. اهمیت این مسأله در آیات، تا جایی است که حتی اگر انسان مال و ثروتی ندارد، نمی‌تواند در برابر نیاز نیازمندان بی تفاوت باشد، بلکه باید دیگران را به کمک کردن تشویق و وادار کند، وگرنه مورد توبیخ واقع می‌شود

۱. واژه «طعام» در این گونه آیات، کنایه از نیازهای ضروری افراد است (ایروانی، ۱۳۹۰، ۱۱۱).

﴿وَلَا تَخَاصُّوْنَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ﴾ (فجر، ۱۸) و در کار مسکینان بی‌اعتنائید. البته در منطق قرآن کریم، انجام این عمل انسانی و الهی کار چندان آسانی هم نیست. بدین جهت، قرآن کریم رسیدگی و سروسامان دادن به زندگی فقرا را، طی کردن گردنه‌های سخت و دشوار آزمایش می‌داند: ﴿فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ﴾ (بلد، ۱۱) گردنهٔ صعب‌العبوری که انسان‌های ناسپاس هرگز خود را برای گذشتن از آن آماده نکرده‌اند.

از منظر قرآن کریم، اسلام و ایمان با ادعا و گفتار تنها حاصل نمی‌شود، بلکه در برابر هر فرد مسلمان و مؤمن، گردنه‌های صعب‌العبوری است که باید از آنها، یکی بعد از دیگری به حول و قوه الهی و با استمداد از روح ایمان و اخلاص بگذرد و این گردنه‌ها، مجموعه‌ای است از اعمال خیر که عمدتاً بر محور خدمت به خلق و کمک به ضعیفان و ناتوان‌ها دور می‌زند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۸/۲۷). بنابراین، سیاست‌هایی که رشد و توسعهٔ عادلانه را ارتقا می‌دهند و به تأمین منابع مالی آن می‌پردازند، از همین اصل قرآنی که ریشه‌کن‌سازی فقر از جامعه است، پیروی می‌کنند.

آنچه که امروزه در کشور، از طریق بنیاد برکت<sup>۱</sup> - که منابع مالی این بنیاد از طریق دریافت زکات تأمین می‌شود - در محرومیت‌زدایی از طریق ایجاد اشتغال برای خانواده‌های نیازمند انجام می‌شود، گویای بخشی از این حقیقت است.

به عنوان نمونه، در گزارشی که نمایندهٔ مردم خمین در مجلس شورای اسلامی در اهمیت این نهاد در ایجاد اشتغال و محرومیت‌زدایی ارائه می‌دهد این گونه بیان می‌کند: طرح‌ها و اقدامات بنیاد برکت بسیار ارزشمند و قابل تحسین است و تأثیر بسزایی در رشد اجتماعی و صنعتی مناطق محروم می‌گذارد (رضایی، ۱۳۹۵/۹/۳).

در حال حاضر، این نهاد یکی از اصلی‌ترین حوزه‌های کاری خود را سرمایه‌گذاری و مشارکت در طرح‌های اقتصادی و کار آفرینی و توسعهٔ اشتغال در مناطق کمتر توسعه‌یافتهٔ کشور قرار داده و اکنون به دستاوردهایی قابل توجه دست یافته است (ر.ک: [www.barakatfoundation.com](http://www.barakatfoundation.com)).

۱. بنیاد برکت، در سال ۱۳۸۶ زیر نظر ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره)، برای خدمات‌رسانی به مناطق محروم و کم‌تر توسعه‌یافتهٔ کشور تأسیس شد. ر.ک: سایت:

[www.barakatfoundation.com](http://www.barakatfoundation.com)



به عنوان مثال، رییس ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) که بنیاد برکت زیر نظر این ستاد مشغول فعالیت است، با اشاره به این که در کل کشور، مشکل چهار هزار روستا از ۳۰ درصد تا ۱۰۰ درصد برطرف شده، می‌گوید: فعالیت‌های این ستاد عمدتاً در غالب محرومیت‌زدایی، اقتصاد مقاومتی، توانمندسازی اقتصادی و اشتغال هستند که علاوه بر این موارد، پروژه‌های عمرانی دیگری نیز انجام می‌شود. به نظر وی: مهم‌ترین دستوری که در جهت اشتغال‌زایی در ستاد انجام شده است این است که به هیچ وجه اجازه استفاده بیش از ۲۰ درصد از نیروهای غیربومی برای پیمانکاران وجود نخواهد داشت و ۸۰ درصد از کارکنان هر پروژه، باید بومی و از اهالی خود منطقه باشند (مخبر دزفولی، ۱۳۹۵/۷/۸).

بنابراین، زکات از طریق محرومیت‌زدایی و رشد و ارتقای سرمایه انسانی - اجتماعی و با به کارگیری سرمایه‌های راکد از طریق جلوگیری از حبس ثروت، مقدمات رشد اقتصادی را فراهم کرده و با نقشی که در ایجاد عدالت اجتماعی، فردی و اقتصادی دارد، تمام اهداف توسعه که عبارت از تولید و رشد ثروت، عدالت، رفاه، افزایش سطح زندگی، اشتغال، بهداشت، آموزش، امنیت فکری و اجتماعی است را فراهم می‌کند (کاشیان، ۱۳۸۹، ۱۳۷).

## ۲. برکت‌زایی و رونق اقتصادی

یکی از واژه‌هایی که در فرهنگ قرآن کریم به کار گرفته شده، واژه برکت است. از این واژه، سی و دو بار با مشتقات آن در قرآن کریم استفاده گردیده است. برکت، به معنای هر چیز زیاد و فراوان است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۵۴/۸) که بهره از لطف الهی دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ۱۹۱) و به نظر نویسنده تفسیر نمونه: برکت در اصل، به معنای ثبات و استقرار چیزی است و به هر نعمت و موهبتی که پایدار بماند اطلاق می‌شود، در برابر موجودات بی‌برکت، که زود از بین می‌روند و بی‌اثر می‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۶۷/۶).

مقصود از برکت در لسان قرآن کریم، آن چیزی است که در آن خیر معنوی و یا مادی منتهی به معنوی باشد و به تعبیر صاحب مفردات: از آنجایی که خیرات الهی از

مقام ربوبیتش، به‌طور نامحسوس صادر می‌شود، و مقدار و عدد آن هم قابل شمردن نیست، لذا به هر چیزی که دارای زیاده غیر محسوسی است می‌گویند: این چیز مبارک و دارای برکت است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۱/۱۹۱). بر همین مبناست که آب و باران در شرایط مخصوص، مایه برکت و فراوانی نعمت است. قرآن کریم در سوره مبارکه ق بر این مطلب تصریح کرده و می‌فرماید: ﴿وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ﴾ (ق، ۹) و از آسمان، آبی پربرکت نازل کردیم و به وسیله آن، باغها و دانه‌های دروکردنی رویانندیم.

در آیه ۹۶ سوره اعراف به برخی از عوامل برکت‌زا نیز تصریح نموده و می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾ (اعراف، ۹۶) و اگر اهل آبادیها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم. در توضیح و تبیین معنای برکات آسمانی و زمینی، نویسنده تفسیر روشن می‌نویسد:

برکات آسمانی، عبارت است از توجّهات معنوی و رحمت‌های روحانی که سبب گشایش و خوشی روح و وسعت قلبی و نورانیت باطنی و استفاضه از فیوضات الهی می‌شود. برکات زمینی، برکاتی است که منشأ آنها از زمین است مانند: آب، خاک، هوا، اشجار، زراعت و حیوانات دریایی، صحرایی و هوایی و آنچه مورد استفاده انسان‌ها قرار می‌گیرد (مصطفوی، ۱۳۸۰، ۹/۷۱).

از منظر قرآن کریم، از آنجا که پرداخت زکات یکی از مصادیق بارز عمل تقوایی است، پرداخت زکات نه تنها موجب نقصان و کندی چرخش اقتصادی به سبب جابجایی مال نمی‌شود، بلکه موجب فزونی و برکت در رشد و بهره‌وری آن هم می‌گردد و به روشنی از آیات زکات می‌توان فهمید که، اینکه قرآن کریم از این نوع پرداخت مالی، تعبیر به زکات نموده، به سبب آن است که زکات به معنای رشد و فزونی است و نامیدن چنین پرداخت مالی به زکات، گویای امیدواری به برکت و فزونی مال هم برای مؤدی زکات و هم، افزایش رشد و توسعه اقتصادی برای جامعه است. از این رو، زکات همانند دیگر انفاقات و صدقات، یک نظام متقن و جامعی را تشکیل می‌دهد که در آن به صورت طبیعی ابعاد متعدد مالی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و

عبادی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در پرتو این جامع‌نگری است که زکات به عنوان یکی از مصادیق بارز صدقات، در اصلاح ساختار اقتصادی جامعه، رونق اقتصادی، تطهیر زندگی، تزکیه دل و جان انسانها و تألیف قلب‌ها، نقش به‌سزایی دارد. قرآن کریم در آیات متعددی، بر این رویش و برکت‌زایی زکات تأکید فراوانی دارد. برخی از این آیات عبارتند از:

﴿قُلْ إِنْ رَبِّي يَسْطُرُ الرَّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ (سبا، ۳۹)؛ بگو در حقیقت پروردگار من است که روزی را برای هر کس از بندگانش که بخواهد گشاده یا برای او تنگ می‌گرداند و هر چه را انفاق کردید عوضش را او می‌دهد و او بهترین روزی دهندگان است.

﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى \* وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى \* فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى﴾ (لیل، ۷، ۶، ۵)؛ هر کسی بخشش نماید و پرهیزکار باشد و حقیقت را تصدیق نماید، ما کارهای مشکل او را آسان می‌کنیم.

﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره، ۲۶۱)؛ داستان آنان که مال‌های خویش را در راه خدا انفاق می‌کنند، داستان دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه، صد دانه باشد و خدا هر که را که خواهد - دو یا چند برابر - فزونی دهد و خداوند، فراخی‌بخش و داناست.

﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ﴾ (اعراف، ۱۵۶)؛ و رحمت من همه موجودات را فرا گرفته و البته آن را برای آنان که راه تقوا پیش می‌گیرند و زکات می‌دهند و به آیات ما می‌گروند، حتم و لازم خواهم کرد.

از اطلاق جایگزینی انفاقات در «فَهُوَ يُخْلِفُهُ» که زکات یکی از مصادیق بارز انفاقات است و نیز اطلاق آیه «فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى» که هر نوع گشایشی اعم از مادی و معنوی را شامل می‌شود و نیز آیه «أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ» تا آخر آیه که تصریح به افزایش چندین و چند برابری اثر انفاق دارد، همچنین رحمت و اسع‌های خدای سبحان آن را اختصاص به پرداخت کنندگان زکات در آیه ۱۵۶ اعراف داده



بدین سان با این تعبیر بسیار زیبا، پر مغز و معنا، افزون بر تشویق و ترغیب مؤمنین به این عمل خداپسندانه، به آنان توجه می‌دهد که فاصله‌ای و واسطه‌ای در دریافت زکات توسط خدای مَنان وجود ندارد و عمل دریافت به سرعت توسط کسی انجام می‌گیرد که اولاً، بخشنده انواع نعمتهاست؛ ثانیاً، فزونی بخش ثروت‌هاست؛ ثالثاً، آن را تنها همراه با اخلاص و پاکی دل و بدون منت و آزار از سوی مؤمنین پذیراست. علامه طباطبایی در بیان اینکه چگونه زکات به عنوان یکی از مصادیق صدقات در تولید ثروت نقش ایفا می‌کند می‌نویسد:

یکی از خصوصیات صدقه این است که نمو می‌کند و این نمو، لازمه قهری صدقه است و از آن جداشدنی نیست؛ چون باعث جلب محبت و حسن تفاهم و جذب قلوب است و امنیت را گسترش داده و دلها را از اینکه به سوی غصب و دزدی و افساد و اختلاس بگرداند، باز می‌دارد و نیز، باعث اتحاد و مساعدت و معاونت گشته و اکثر راه‌های فساد و فنای اموال را می‌بندد و همه آنها باعث می‌شود که مال آدمی در دنیا هم، زیاد شود و چند برابر گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۶۴۲/۲).

### نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت می‌توان به این نتیجه رسید که:

۱. قرآن کریم، اندیشه‌های رفاهی در قالب فقرزدایی و محرومیت‌زدایی را مبتنی بر نظریه‌های هستی‌شناسانه خود می‌داند. از این رو، به مال و ثروت به عنوان چیزی که امانت الهی است و در اختیار افراد قرار گرفته، می‌نگرد و به مال و ثروت به عنوان ابزار و وسیله‌ای، که مایه و پایه قوام و قیام تمامی انسانهاست نظر دارد. بر مبنای این رویکرد هستی‌شناسانه است که نقشی که برای زکات در نظر گرفته می‌شود تأثیر مهمی در اتخاذ سیاست‌های لازم در مبارزه با فقر و رفع محرومیت دارد. در این نگرش، فقر و محرومیت حق انسان فقیر نیست تا نقش زکات هم بر مبنای این حق تعریف شود و در عمل، فقط در حد سیاست‌های حمایتی مورد توجه قرار گیرد؛ بلکه حق فقیر آن است که از مال الله در قالب زکات بهره‌جسته، تا توان حضور در چرخه تولید برای خلق ثروت که مایه و پایه استواری زندگی دنیوی اوست را پیدا کند.

۲. مکانیزم‌هایی که قرآن کریم از طریق آنها به وسیلهٔ زکات به فقرزدایی و تولید ثروت در جامعه می‌پردازد عبارتند از: توزیع مجدد ثروت، رویش و برکت‌زایی است. براساس چنین بینشی نسبت به جایگاه زکات در فقرزدایی و ایجاد رونق اقتصادی است که به عنوان مثال، می‌توان مناطق روستایی را که جزء مناطق محروم به شمار می‌آیند متحوّل نموده و سرمایه‌های بکر انسانی و سرزمینی آنان را وارد چرخهٔ اشتغال و تولید نموده و به خلق ثروت پرداخت.

۳. از منظر قرآن کریم، تنها عوامل مادی نیست که منشأ رونق اقتصادی و رشد بهره‌وری است؛ بلکه عوامل معنوی نیز تأثیر بسزایی دارد. از جمله عوامل معنوی در رشد اقتصادی و تولید ثروت جدای از آثار مادی آن، نقش و جایگاه زکات است. بر این اساس، در مسألهٔ فقرزدایی و تولید ثروت، تنها نمی‌توان به اسباب ظاهری و مادی بسنده کرد، بلکه باید به عوامل معنوی نیز توجه داشت؛ زیرا نقش اسباب معنوی و غیرمادی در جهان، اگر بیشتر از نقش اسباب مادی نباشد، کمتر نیست. بدین جهت است که در آیات، به عوامل و اسباب معنوی چون تقوی و مانند آن به عنوان اسباب تأثیرگذار در جهان مادی تأکید شده است.

## کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم.
۲. امین رشتی، نارسیس و رفعت میلانی، مؤگان، بررسی اثر مالیات بر ارزش افزوده بر توزیع درآمد در کشورهای منتخب، پژوهشنامهٔ مالیات، شماره ۱۱ (مسلسل ۵۹)، ۱۳۹۰.
۳. ایروانی، جواد، زکات باطنی؛ پژوهشی فقهی دربارهٔ گسترهٔ زکات از نگاه قرآن، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۰.
۴. بیات، محمدحسین و بام افکن، جواد، آثار اجتماعی زکات در تفاسیر فریقین، فصلنامهٔ مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، دورهٔ ۱۰، شمارهٔ ۳۹، ۱۳۹۴.
۵. توتونچیان، ایرج، پول و بانکداری اسلامی، انتشارات توانگران، ۱۳۷۹.
۶. دادگر، یدالله، مؤلفه‌ها و شاخصه‌های الگوی اقتصاد سیاسی اسلام، اقتصاد اسلامی، سال چهارم، شمارهٔ ۱۳، ۱۳۸۳.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت، دار العلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
۸. رستم نژاد، مهدی، قرآن و نظام توزیع ثروت، مجلهٔ قرآن و علم، شمارهٔ ۲، ۱۳۸۷.

۹. رضایی، محمدابراهیم (۱۳۹۵ / ۹ / ۳)، سایت:

<http://barakatfoundation.com/fa/news/215>

۱۰. سراج‌الدین، اسماعیل، فقرزدایی چالش‌ها و راهبردهای اسلامی، ترجمه ناصر جهانیان، نشریه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۲، ۱۳۸۲.

۱۱. صدر، سید محمد باقر، اقتصادنا، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۵.

۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.

۱۳. طیب، زین العابدین، زکات و کاهش فقر در جهان اسلام، مشکوة، بهار و تابستان ۱۳۷۷، شماره ۵۸ و ۵۹، ۱۳۷۷.

۱۴. عسکری، حشمت‌الله و بادپا، بهروز، اثر زکات بر مصرف عمومی در ایران، دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، دوره ۶، شماره ۱۲، ۱۳۹۳.

۱۵. عسکری، محمد مهدی و کاشیان، عبدالمحمد، برآورد ظرفیت بالقوه زکات در اقتصاد ایران و مقایسه آن با زکات پرداختی طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹، دو فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی - دوره ۷، شماره ۱۴، ۱۳۹۴.

۱۶. قرآتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳.

۱۷. کاشیان، عبدالمحمد، نقش بالقوه زکات در کمک به فرآیند توسعه اقتصادی کشورهای مسلمان، بلاغ مبین، زمستان ۱۳۸۸ و بهار و تابستان ۱۳۸۹، شماره ۲۱ و ۲۲ و ۲۳، ۱۳۸۹.

۱۸. کلباسی، مجتبی، زکات در اندیشه‌ها، تهران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۰.

۱۹. کیمیجانی، اکبر و عسکری، محمد مهدی، تحلیل نظری آثار اقتصادی زکات و مقایسه آن با مالیه تورمی، مجله تحقیقات اقتصادی، دوره ۳۹، شماره ۱، ۱۳۸۳.

۲۰. محمودی، وحید و دیگران (۱۳۸۴)، فقر قابلیت در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، سال چهارم، شماره ۱۷.

۲۱. مخبر دزفولی، محمدرضا (۱۳۹۵ / ۰۷ / ۰۸)، سایت:

<http://barakatfoundation.com/fa/news/215>

۲۲. مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، تهران، مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰.

۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۷۴.

۲۴. یونس المصری، رفیق (۱۴۲۶ق)، الاعجاز الاقتصادي للقرآن الکریم، دمشق، دارالقلم، دمشق.